

تأمین مالی پروژه‌های عمرانی - و حتی مخارج جاری خود - را فراهم آورد و هم سبب کاهش نقدینگی جامعه شود.

نگاهی به حساب سرمایه کشور که نقش پُررنگ قوانین دست و پاگیر - و البته بی‌مورد - سرمایه‌گذاری و نوع نگاه منفی را به سرمایه‌گذار در کشورمان روشن می‌سازد، چالش اساسی در تحقق آرمان‌های اقتصادی نظام است و باید گفت تراز منفی ۱۱ هزار و ۲۸۹ میلیون دلاری حساب سرمایه در سال ۸۷ نگران‌کننده است. در داخل کشور نیز بخش خصوصی را که باید میدان‌دار تولید و صنعت باشد درنمی‌یابیم. آیا جز این است که بخش خصوصی که در شاکله خود مملو از بازرگانان، کارآفرینان، صنعتگران و مبتکران دانشگاهی است به داد اقتصاد ما خواهد رسید؟ جز این است که گسترش شفافیت و شایسته‌سالاری نظام جمهوری اسلامی را تقویت خواهد کرد؟ زمان را از دست ندهیم. سخن زیاد است و زمان کوتاه. یک کلام، ختم کلام: اقتصاد و مردم سالاری اقتصادی را دریابیم. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «مشکل اقتصاد و توسعه متوازن» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

## نفت و جایگاه آن در اقتصاد ایران

### چالشی به نام نفت!



#### نگاه دکتر نرسی قربان، مدیر عامل شرکت نارکنگان و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران» در رابطه با صنعت نفت ایران، چالش‌ها و راهکارها

مشکلات صنعت نفت و گاز ایران، جدا از مشکلات کلی اقتصادی کشور نیست. بخش انرژی چه از دید ارزش تولید و ارزش مصرف فرآورده‌های نفت و گاز و چه از دید اثرگذاری بر سایر شاخص‌های اقتصادی مانند محصول ناخالص ملی، تورم، اشتغال، سرمایه‌گذاری و مواردی مشابه، مهمترین بخش اقتصادی کشور است و از این رو اهمیت ویژه‌ای در سرنوشت اقتصاد ملی دارد. اگر اقتصاد بخش انرژی کشور سروسامان گیرد، بدون شک اثرات آن بر اقتصاد ملی چشم‌گیر خواهد بود. سیاست‌هایی که در حال حاضر با سلیق مختلف برای صنعت نفت و گاز پیشنهاد می‌گردند، عمدتاً به شرح زیر می‌باشند:

انتقال را برای این فرآورده‌ها در نظر گرفت، به طوری که شرکت‌های تولیدکننده انرژی در ایران بتوانند فرآورده‌های خود را مثلاً با سودی ۲۰ درصدی به فروش برسانند؛ آن هم به شرطی که هزینه‌های آنها دقیقاً بررسی شود. به علاوه، مسأله ارزش ذاتی نفت و گاز مقوله‌ای است که تصمیم‌گیری درباره آن به عهده نظام کشور بوده که در حقیقت به نوعی مالیات بر مصرف فرآورده‌های نفتی، گاز و برق می‌باشد و ربطی به سوبسید ندارد. پس راهکار اقتصادی - نه پوپولیستی - این است که در مرحله اول تا آنجا که ممکن است سوبسید را با در نظر گرفتن هزینه‌ها کم کنیم و سپس نظام در مورد دریافت ارزش ذاتی نفت و گاز از شهروندان خود، برنامه‌ریزی نماید.

#### جذب سرمایه

نیاز به کاهش تنش در منطقه و اتخاذ سیاست‌هایی برای ایجاد جو آرامش و بهبود اقتصادی در درازمدت برای جلب سرمایه‌گذاری در صنعت - چه از خارج از کشور و چه در داخل - از الزامات اصلی می‌باشد. جذب سرمایه‌گذاری داخلی با هدف جلوگیری از فرار سرمایه از کشور و هدایت ریال‌های سرگردان از بخش غیرتولیدی به بخش نفت و گاز امکان‌پذیر می‌باشد. هر دولتی که بر سر کار باشد، می‌تواند با یک طرح جدید امکان خرید سهام و یا مشارکت در فاینانس طرح‌های عمده نفت و گاز کشور را به صورت ارزی در اختیار مردم ایران قرار دهد، به صورتی که شهروندان بتوانند ریال خود را برای سرمایه‌گذاری در این طرح‌ها به صورت قانونی تبدیل به یورو نمایند. بدیهی است که تضمین‌های لازم برای بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاران، همان

۱) واقعی کردن قیمت‌های انرژی در کشور، ۲) جذب سرمایه در صنعت نفت و گاز، ۳) خصوصی‌سازی و ۴) تغییر ساختار صنعت نفت و گاز.

#### اصلاح قیمت‌ها، به سبک بومی

بدون شک مصرف و هدر روی انرژی در ایران به مراتب بیش از کشورهای دیگر جهان است. این موضوع، هم در بخش دولتی - مثلاً به صورت سوزاندن ۱۰ میلیارد متر مکعب گازهای ایجاد شده در حین تولید نفت در روز - و هم در مصارف خانگی، تجاری و صنعتی به علت ارزانی نسبی فرآورده‌های نفتی و گازی وجود دارد و این میزان مصرف و هدر دادن انرژی می‌تواند چشم‌انداز توسعه کشور را با مشکلات عمده رویه‌رو سازد. متأسفانه عده‌ای - به خصوص در وزارت نفت - حذف پرداخت یارانه به نفت و گاز و برق را با تعدیل قیمت این فرآورده‌ها با رویه‌ای مطابق آنچه در سایر کشورهای جهان می‌گذرد پیشنهاد می‌نمایند و مثلاً می‌خواهند فرآورده‌های نفتی و گازی را به قیمت‌های ژاپن و اروپا به دست مردم برسانند که این یک اشتباه بزرگ است. سوبسید، اختلاف هزینه تولید، پالایش و حمل فرآورده‌های نفت و گاز با قیمتی است که از مصرف‌کنندگان دریافت می‌گردد. گاز و یا برق تولیدی در کشور را نمی‌توانیم بدون سرمایه‌گذاری‌های کلان و شرایط

ضمانت‌های لازم برای امکان جلب سرمایه خارجی توسط این شرکت‌ها باشد. به علاوه لازم است دولت در هیچ طرح جدیدی وارد نشود و اجازه دهد که بخش خصوصی برای احداث پالایشگاه‌های جدید نفت و گاز، LNG و صنایع گازبر و پتروشیمی وارد شود. بدیهی است بخش خصوصی که در حال رشد می‌باشد، طی یک دوره نسبتاً کوتاه و پس از کسب تجربیات لازم، داوطلب خرید بقیه بخش‌های پایین‌دستی صنعت نفت خواهد بود. البته تا زمانی که قیمت‌های نفت و گاز برای طرح‌های داخلی به صورت جدی بررسی نگردند و بر مبنای یک فرمول معین و درازمدت تعیین نشوند، جلب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این بخش امکان‌پذیر نخواهد بود. اگر قیمت گاز بدون در نظر گرفتن قیمت ارایه شده توسط رقبای ایران در صنایع گازبر در منطقه تعیین شود، شاهد سرمایه‌گذاری در این بخش نخواهیم بود.

### اصلاحات ساختاری

ساختار صنعت نفت و گاز در ایران بر مبنای واقعیات جهانی در این صنعت نیست. صنعت نفت در ایران، همواره - از ملی شدن آن تا کنون - سیاست زده بوده است و عوامل سیاسی در ادوار مختلف، بیشتر از واقعیات تجاری نفت و گاز در آن تأثیرگذار بوده‌اند. مدیران ارشد صنعت نفت، بعضاً با ملاحظات سیاسی انتخاب می‌گردند که متناسب با نقش مهم تجارت جهانی و تحولات صنعت نفت نیست. در این رابطه پیشنهاد می‌شود که ملاحظات سیاسی در گزینش مدیران ارشد شرکت‌های ملی کاهش یابد و افرادی مناسب با وزن صنعت نفت در ساختار انرژی جهان، به این مجموعه اضافه گردند. وزارت نفت باید فقط نقش تصدی‌گری و برنامه‌ریزی کلان را بازی نموده و وزیر نفت نباید در امور اجرایی شرکت‌های ملی دخالت مستقیم نماید. نقش وزارت نفت ارایه لوایح جدید به مجلس و تدوین راه‌کارهای بهینه برای این صنعت است. شرکت ملی نفت ایران باید مسئول کلیه امورات مربوط به تولید، پالایش، انتقال و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی در ایران و خارج باشد. شرکت ملی نفت ایران هم باید مسئول کلیه فعالیت‌های گازی از جمله تولید گاز و فروش آن به خارج گردد تا سردرگمی موجود برای شرکت‌های داخلی و خارجی به پایان برسد. ■

طوری که برای خارجی‌ها اعمال می‌شود، در مورد سرمایه‌گذاران داخلی نیز باید منظور گردد. با این روش، نه تنها قسمتی از نیاز ارزی طرح‌های بزرگ تأمین می‌گردد، بلکه سود قابل ملاحظه حاصل از طرح‌های نفت و گاز نیز شامل مالیات خواهند بود. با اجرای این طرح از افزایش تورم ناشی از سرازیر شدن ریال‌های موجود به بخش‌های غیر تولیدی تا حدودی جلوگیری می‌شود. علاوه بر آن، اختصاص سود ۱۰ تا ۱۵ درصدی به سرمایه‌گذاری ارزی، ایرانیان خارج از کشور را نیز برای انتقال سرمایه به ایران و بکارگیری آن در این طرح‌ها تشویق می‌نماید. اگر قسمتی از منابع مورد نیاز دولت برای سرمایه‌گذاری در صنایع هیدروکربوری از این طریق تأمین گردد، دولت می‌تواند منابع مالی خود را برای توسعه طرح‌های زیربنایی دیگر مانند بهداشت و آموزش اختصاص دهد و ایرانیان هم از قسمتی از منابع نفت و گاز خود بهره‌مند شوند.

### خصوصی‌سازی

واگذاری شرکت‌های نفتی بر مبنای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در دست اجرا می‌باشد و شامل بخش پایین‌دستی صنعت نفت و گاز نیز می‌گردد. این روند علیرغم سیاست‌های کلی نظام برای خصوصی‌سازی و اعلام نظر مسئولان ارشد با کندی پیش می‌رود. بدنه سازمانی وزارت نفت، شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران، نه تنها هیچ‌گونه کمک مؤثری به شرکت‌های خصوصی علاقه‌مند به ورود به این بخش نمی‌نمایند، بلکه با قوانین و دستورات دست و پاگیر، عملاً ورود آنها را با اشکال روبه‌رو می‌سازند. بوروکرات‌های این سازمان‌ها از شرکت‌های نوپای ایرانی می‌خواهند که همان استانداردها و تجربیاتی را داشته باشند و همان اسناد مالی را ارایه نمایند که شرکت‌های بین‌المللی نفتی می‌خواهند. در نتیجه واگذاری بخش پایین‌دستی صنعت نفت به بخش خصوصی واقعی به کندی پیش می‌رود و خریداران این شرکت‌ها عمده‌تأ شرکت‌های نیمه‌دولتی دیگر هستند.

از آنجا که واگذاری بی‌رویه بخش پایین‌دستی صنعت نفت و گاز به شرکت‌های نیمه‌دولتی که تجربه‌ای در این زمینه ندارند می‌تواند اثرات نامطلوبی داشته باشد، راهکار اجرای قانون و حفظ صنعت در آن است که به بخش خصوصی، کمک و مساعدت گردد تا در طرح‌های جدید وارد گردد. این کمک می‌تواند به صورت ارایه فاینانس و یا

### ایران در خاورمیانه

## قدرت ایران

### شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های قدرت ایران در خاورمیانه از نگاه مؤسسه Rand

بالقوه، احتیاط و عمل‌گرایی در تدوین سیاست این کشور مهم است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که مقایسه چنین شرایطی با جنگ سرد اشتباه است، چراکه جمهوری اسلامی به دنبال

بزرگ‌سازی منطقه‌ای و یا حتی - برخلاف آنچه اظهار می‌کند - تحمیل اجباری ایدئولوژی انقلابی خود به کشورهای همسایه نیست، چراکه با چنین وضعی منجر به دامن زدن به ناراضی‌هایی موجود به خصوص در دنیای غرب می‌شود. روش‌های سنتی برای تحدید نفوذ ایران، ممکن است فرصت‌های بیشتری را برای بهره‌برداری تهران به وجود آورد تا به وسیله آن بتواند نفوذی را که آمریکا به دنبال کاهش آن است تقویت کند. بنابراین، استراتژی کارسازتر آن است که نظارت‌های جدیدی را بر قدرت و نفوذ ایران به کار گیرد.

قدرت ایران و نقش آن در حرکت‌های مهم منطقه خاورمیانه، در حال حاضر یکی از چالش‌های مهمی است که سیاست خارجی آمریکا با آن دست و پنجه نرم می‌کند. ناظران آمریکایی جمهوری اسلامی - قطع نظر از پافشاری‌های سیاسی بر مواضع خود - در مورد قدرت‌طلبی‌های ایران در صحنه خاورمیانه، افزایش قابلیت‌های نظامی آن و ادامه سرسختی برای انرژی هسته‌ای - برخلاف انتقادات بین‌المللی - هشدار داده‌اند. بر این اساس، نیروی هوایی آمریکا، احتمالاً اولین ابزار نظامی است که آمریکا برای نشان دادن قدرت خود نسبت به مسایلی چون بی‌ثباتی‌های موجود در همسایگی ایران، اطمینان بخشیدن به هم‌پیمانان آمریکا و منصرف کردن ایران از هرگونه حمله یا ماجراجویی به آن متوسل می‌شود!

به منظور ارزیابی چالش‌های استراتژیکی که در مدت ده تا پانزده سال گذشته ایران با آن مواجه بوده، تلاش شده است انگیزه‌های جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد، نه قابلیت‌های آن. چنین نگرشی، گرچه با توجه به پیچیدگی‌های نظام ایران سخت به نظر می‌رسد، اما در شناسایی منابع



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رئیس‌مجلس علوم انسانی